روایت صادق خرازی از رابطه ایران و آمریکا، برجام و انتخابات ۱۴۰۰:

زبان واحد در کشور، «شرط مواجهه» با آمریکاست

آمریکا تحریم‌ها را بردارد؛ ایران آماده مذاکره است

مردم در قهری خودساخته هستند

آرمان ملی: سفیر سابق کشورمان در فرانسه درخصوص رویکرد دولت جدید آمریکا به ایران و منطقه اظهار داشت: معتقدم در میان دولت‌هایی که در آمریکا بودند سیاست خارجی آقای بایدن در چهل سال گذشته نزدیک‌ترین سیاست به ایران خواهد بود ولی به شرطی که ما طرف مقابل خود را بفهمیم و بشناسیم. اینکه می‌گویم نزدیک‌تر است به این معنی نیست که آن‌ها عاشق چشم و ابروی جمهوری اسلامی باشند بلکه شرایط ما و آمریکایی‌ها در منطقه به‌گونه‌ای است که آمریکا امروز می‌تواند نزدیک‌ترین سیاست را به ایران داشته باشد. صادق خرازی گفت: آمریکایی‌ها امروز در سیاست داخلی خود گرفتار شده‌اند. اولین‌بار است که آمریکایی که همیشه از ایدئولوژی لیبرال‌دموکراسی به‌عنوان مبانی بزرگ دموکراسی در جهان یاد می‌کرد و در مراسم تحلیف روسای جمهور فرق نمی‌کرد چه جمهوریخواه و چه دموکرات بحث مهمی داشتند که دموکراسی آمریکا بزرگ‌ترین موهبت خداوندی است. امروز این دموکراسی شکننده شده و برای اولین‌بار آقای بایدن می‌گوید ما در معرض آسیب جدی و شکست ارزش‌های دموکراسی در آمریکا هستیم. وی افزود: این حرف شعار نیست و نشان می‌دهد آمریکا به جامعه‌ای دوقطبی تبدیل شده و این دوقطبی در تضاد و تعارض با یکدیگر هستند. وی ادامه داد: آقای بایدن می‌خواهد تا جایی که می‌شود در خاورمیانه درگیر نشود. برای اولین‌بار در تاریخ دیپلماسی آمریکا رئیس‌جمهور آمریکا بعد از دو ماه با نخست‌وزیر اسرائیل صحبت کرد. دبیرکل حزب ندای ایرانیان بیان کرد: آمریکایی‌ها در دو مساله با ما اختلاف دارند؛ یک مورد اختلاف در برجام است که ما می‌توانیم در این خصوص با آمریکایی‌ها وارد گفت‌وگو بشویم. خود آن‌ها می‌دانند که از برجام خارج شده‌اند و ورود به برجام نیز باید توسط خودشان انجام بگیرد. مساله دوم نیز مساله اسرائیل و محور مقاومت است و امنیتی ضمنی برای اسرائیل می‌خواهند. اسرائیلی‌ها همواره می‌خواهند با دشمنی فرضی زندگی کنند و اگر به امنیتی ضمنی برسند هویت خود را از دست می‌دهند. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب ابراز داشت: متاسفانه چندصدایی منتشر شد و هر دو تفکر اشتباه کردند. هم تفکری که می‌گفت اگر بایدن بیاید همه‌چیز درست خواهد شد و هم تفکری که بایدن را ادامه‌دهنده تفکر آمریکایی ایدئولوژیک می‌دید. این نگاه‌ها تا حدی قدرت بازی جمهوری اسلامی را تحت‌الشعاع قرار داده است. دبیرکل حزب ندای ایرانیان تاکید کرد: آمریکا باید در ایران با زبانی واحد روبه‌رو شود ولی هنوز صدا و زبان واحدی در داخل کشور ما وجود ندارد. وی اظهار کرد: وقتی رهبری گفت «صداهایتان را یکی کنید» ما همه صدای واحدی هستیم، این اخم ناشی از این بود که چرا این‌همه سیگنال‌های متفاوت به آمریکا می‌دهید. هرگونه سیگنالی مبتنی بر نیاز به آمریکا اشتباه است. هم آمریکا به ما نیاز دارد و هم ما نیاز داریم برجام را حل کنیم اما از راه و مسیر منطقی خود و اگر از این مسیر خارج شود ما بازنده خواهیم بود.

بایدن می‌تواند با یک امضا به برجام بازگردد

خرازی در مورد احتمال مذاکره بین ایران و آمریکا بیان کرد: ما امروز هم آماده‌ایم. اگر آمریکا به برجام برگردد و تحریم‌ها را بردارد ایران آماده مذاکره است، حتی اگر هر موضوع دیگری داشته باشند. ولی آمریکا خود از برجام خارج‌شده و خود باید به برجام برگردد. اگر ما امتیاز اشتباهی بدهیم باید تا آخر خط اشتباه برویم. اگر در این مقطع اشتباهی تاریخی داشته باشیم خودمان اولین ناقض مبانی اصولی برجام خواهیم بود. این چهره سیاسی گفت: فکر می‌کنم درنهایت آمریکایی‌ها به برجام می‌آیند. سفیر سابق ایران در فرانسه عنوان کرد: معتقدم آمریکایی‌ها حتما می‌توانند به گفتمان برسند. دولتی که در ایران حاکم است سیاست خارجی مبتنی بر گفت‌وگو و حل‌وفصل مسائل را دنبال می‌کند و مبتنی بر درگیری نیست. لذا من برای برگشت به رویکرد برجام محدودیتی نمی‌بینم.

عربستان گروگان بن‌سلمان است

خرازی در خصوص عادی‌سازی روابط میان ایران و عربستان گفت: عربستان واقعیتی در دنیای اسلام است و ما هم واقعیت دیگری هستیم. عربستان قربانی و گروگان آل‌سلمان است. ما بارها خواستیم به عربستان کمک کنیم ولی آنها بازی درآوردند. مساله عربستان تا حدی شخصی شده و البته قول‌هایی که اروپاییان به عربستان دادند و قول‌های ترامپ و اسرائیل و بهانه‌هایی که سعودی‌ها در مورد مسائل ایران پیدا کردند و از طرفی عربستان پول‌های خود را در ایران خرج کرد و با توطئه‌هایی که داشت در رودربایستی ماند و همه این موارد باید گفت‌وگو شود. وی افزود: به عقیده من مسائل ایران و عربستان بعد از انتخابات با فرصتی برای حل‌وفصل روبه‌رو می‌شود. دبیرکل حزب ندای ایرانیان درخصوص انتخابات پیش رو بیان کرد: به سه دلیل انتخابات را آمیخته با مشکلات می‌بینم. اولا نقش مردم است. برخی مردم بریده‌اند. مردم در قهری خودساخته هستند. نه ما اصلاح‌طلبان و روشنفکران و ... نقشی داشتیم و به دنبالش بودیم و نه می‌دانم که ما ایراد و مشکل داشتیم یا نه ولی آن چیزی که وجود دارد این است که مردم در پژواک تلخی قرار دارند. وی بیان کرد: نکته دوم این است که برخی اصلاح‌طلبان با مردم صاف نبودند. عقیده دارم اگر اصلاحات خردمندانه‌تر عمل می‌کرد و چک سفیدامضا نمی‌داد امروز دولت راحت‌تر می‌توانست با مردم صحبت کند. ما باید صادقانه با مردم صحبت کنیم و اگر جایی اشتباه کردیم بگوییم ما اشتباه کرده‌ایم.

معاون شهردار سابق هم حاشیه‌ساز شد

عیسی شریفی؛ دغدغه انتخاباتی نواصولگرایان

این موضوع باعث ایجاد تقابل در آستانه انتخابات می‌شود؟

آرمان ملی - امید کاجیان: اعلام آخرین حکم درباره معاون جنجالی محمدباقر قالیباف، این خبری است که از روز گذشته تا به امروز سروصدای زیادی به پا کرده است؛ به‌خصوص بعد از ماه‌ها سکوت و سردرگمی درباره پرونده آن. نامش عیسی شریفی است و البته این روزها او و محمود سیف به اتهامات مختلفی تحت محاکمه بودند؛ هردو از یاران قدیمی. شریفی به واسطه آنکه معاون شهردار سابق بود و البته سیف به واسطه اینکه همسر سابق چهره‌ای جنجالی دیگر به نام شهرزاد میرقلی‌خان به شمار می‌آمد. میرقلی‌خان که ابتدا به اتهام دست داشتن در ۳۰۰۰ دوربین دید در شب در سال ۲۰۰۷ در آمریکا بازداشت و در ۲۰۱۲ از زندانی در ایالات‌متحده آمریکا آزاد شد. او و سیف را از جمله کسانی می‌دانستند که مشغول دورزدن تحریم‌ها بودند و به حکومت کمک می‌کردند. میرقلی‌خان وقتی به ایران آمد عنوان مدیر روابط بین‌الملل پرس‌تی‌وی را بر دوش یدک کشید. پس از انتصاب محمد سرافراز به‌عنوان رئیس سازمان صداوسیما، وی، میرقلی‌خان را به‌عنوان بازرس ویژه خود منصوب کرد. اما چندی بعد این‌بار اتهامات متعددی به میرقلی‌خان در ایران وارد شد؛ اتهاماتی که در برخی شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها درمورد وی مطرح‌شده جاسوسی، اختلاس، نفوذ و... بود .بعدها اما در خارج از کشور فیلمی از او و محمد سرافراز با پرونده‌های بسیار و اسنادی در دست منتشر شد که خطاب به برخی چهره‌ها سخن می‌گوید و البته که در میان افشاگری‌های آتی نام‌های زیادی از جمله خود سیف هم به گوش می‌رسید. در سویی دیگر اما شریفی است که از داستان املاک نجومی شهرداری، نامش بر سر زبان‌ها افتاد؛ اتهاماتی مانند افشاگری‌هایی از جنس میرسلیم نماینده مجلس یازدهم که «به تحقیق و تفحص» مجلس دهم برای عدم بررسی فساد شهرداری در را مطرح کرد. پرونده املاک نجومی بخشی از اتهامات شریفی بود. شریفی پس از مشخص شدن نتایج انتخابات شورای شهر و ریاست‌جمهوری در سال ۹۶، با آغاز صحبت از فساد در شهرداری تهران، در اواخر دوره قالیباف از شهرداری تهران استعفا داد اما جالب اینکه کمی بعد شورای شهر چهارم -با اکثریتی اصولگرا- از او قدردانی کرد. نیمه اول سال ۹۶ بود که سخنگوی وقت قوه قضاییه بازداشت عیسی شریفی به اتهام مالی را اعلام داشت. بعدها شائباتی در مورد اینکه احتمال دارد یکی از اتهامات او جاسوسی باشد نیز مطرح شد. اما در این ماه‌ها عدم مشخص شدن سرنوشت این پرونده و همین‌طور پرونده سیف با اعتراضات بسیاری روبه‌رو شده بود. بعد از فشارهای متعدد رسانه‌ها و پیگیری این پرونده در مصاحبه‌های چهره‌های اصلاح‌طلب و تعجب از عدم پیگیری آن؛ اکنون خبر آمده که رای صادره دادگاه نظامی تهران درباره پرونده موسوم به گروه اقتصادی یاس به تایید دیوان عالی کشور رسید. براساس دادنامه صادره از دیوان عالی کشور، ۴ نفر از متهمان پرونده به اتهام مشارکت در کلاهبرداری باندی، مشارکت در پولشویی و برداشت و تصاحب غیرقانونی وجوه به دو تا ۳۰ سال حبس تعزیری به شرح ذیل محکوم شدند که نام سیف و شریفی در راس آنها دیده می‌شود؛ متهم محمود سیف به سال ۳۰ سال حبس تعزیری- جزای نقدی- استرداد وجوه تحصیل و متهم عیسی شریفی به ۲۰ سال حبس تعزیری- جزای نقدی - استرداد وجوه تحصیلی. اما قطعا امروز و محاکمه شریفی می‌تواند خبر بدی برای جریان نئواصولگرایی در آستانه انتخابات نیز باشد. چه بسا این موضوع باعث ایجاد تقابل در آستانه انتخابات ۱۴۰۰ نیز بشود. شریفی به مدت ۱۲ سال قائم‌مقام و معاون شهردار سابق تهران بوده است. او دوبار زمانی که محمدباقر قالیباف برای ریاست‌جمهوری نامزد شد، سرپرستی شهرداری تهران را برعهده گرفته بود. همه اینها بیانگر قرابت این دو با یکدیگر است. دستگیری شریفی از سویی می‌تواند بازی اصلاح‌طلبان را در حمله طیف سیاسی او نیز هموارتر کند و البته به شائبات تخلف درباره دومین کاندیدای احتمالی و قدر اصولگرایان نیز بیش از قبل دامن بزند. این درحالی است که دیگر کاندیدای اصولگرایان برای ۱۴۰۰، یعنی سعید محمد نیز این‌روزها حال خوشی ندارد. اگر از ماجرای خرید کانال تلگرامی که در آن پیشتر تبلیغات کبوترفروشی بود و اکنون به نام اوست بگذریم. اکنون بسیاری شائبه برکناری او و نه استعفایش را نیز مطرح می‌کنند. کسانی که اتفاقا خود از جمله اصولگرایان هستند و معتقدند برخی تخلفات باعث برکناری محمد شده است. مثلا حمیدرضا ترقی عضو موتلفه در این‌باره می‌گوید کنار رفتن ایشان از فرماندهی قرارگاه خاتم هم به دلیل انتخابات نبوده و خود ایشان هم تخلفاتی داشته که قطعا این مساله امتیازی منفی در بررسی صلاحیت ایشان خواهد بود. البته غیر از این انتشار عکس‌ها و همکاری‌های سعید محمد با چهره‌هایی که اکنون به دلیل به زندان محکومند نیز مزیدبرعلت شده تا این چهره نیز از گردونه انتخابات حذف شود. حالا اما قطعا اتهام و محکومیت عیسی شریفی در کنار مسائلی مانند ادعای رشوه ۶۵ میلیارد تومانی برای عدم پیگیری پرونده می‌تواند شهردار سابق را نیز به سرنوشتی مانند سرنوشت محمد تبدیل کند و راه را برای گزینه‌های دیگر اصولگرایی برای حضور در انتخابات ۱۴۰۰ هموارتر بسازد؛ از همین‌رو باید با وجود تمام احتمالاتی که پیش از این درمورد حضور احتمالی رئیس مجلس یازدهم برای حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری داده می‌شد، او را نیز مانند محمد در انتخابات آتی با حواشی ببینیم.

دلنوشته‌ای بدون تاریخ، بدون امضاء!

محمد محمودی
دبیر سابق پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌ا... هاشمی

مردم عزیز ایران، سلام. قربان رسم‌تان که رسم وفا و نجابت است. روزگاری است که از نزد شما رفته‌ام ولی قلبم هنوزم با شماست. حال و احوالم خوب است به دعای خیر شما. آخر اینجا هم میزان رای ملت است. یعنی اول از همه از حق‌الناس می‌پرسند. اگر پای حق مردم ایستاده باشی روسفید می‌شوی ولی اگر از مردم نگفته باشی روزگارت سیاه است. قبلا گفته بودم «ما از آسمان نیامدیم» و همین مردم ما را به عرش قدرت رساندند. اما اینجا به چشم خود دیدم کسانی را که پشت به حق‌الناس کردند چگونه عذاب می‌کنند، کامتان را تلخ نکنم. آمدم عرض ادبی کنم و رفع دلتنگی در آستانه نوروز ۱۴۰۰. آخر اکبر هاشمی هر چه در دنیا شد از معرفت شما مردم بود. اینجا هم اگر آبرویی دارد از دعای خیر شما مردم است. مثل همان نوشته‌ای که دست دختری در مراسم تشییع من بود. با این مضمون که «تنهایمان نگذاشتی، تنهایت نمی‌گذاریم». باورتان نمی‌شود همان نوشته امروز برایم آبرو شده اینجا. ملت نجیب ایران! از رنج‌تان در رنجم. دلم خون است از دست و زبان آنها که پنجره‌های آینده را به روی شما می‌بندند؛ شمایی که شایسته بهترین‌ها در دنیا هستید و جهانی دلباخته تمدن و هنرتان است. ولی چه باید کرد که ایران عزیز ما را سال‌هاست عده‌ای نورسیده با شعارهای پوچ و بی‌حاصل به باتلاق اختلاف و تفرقه برده‌اند و طناب نجات هر دلسوزی را با تیغ انگ و دروغ و تهمت پاره می‌کنند. مردم شریف ایران! من بیش از ۶۰ سال شریک شادی و غمتان بودم؛ از سیاه‌چاله های زندان شاه تا سرور و شادی پایان جنگ. از رونق سازندگی و دوستی با همسایگان تا رکود انحراف و دشمنی با دنیا، اکنون اما دل‌خون‌تر از همیشه شاهد مصاف نابرابرتان با محنت بی‌فردایی و مصیبت کرونا هستم. چه بگویم در این روزگار تلخ که عید شما هم دیگر رنگ شادی ندارد. من که هر چه داشتم از جان و آبرو و فرزند تقدیم شما کردم. چه کنم که دیگر دستم از دنیا کوتاه شده و راهی برای به خدمت به شما ندارم؟! ولی به همه آنها که امروز هستند و دستی بر آتش مسئولیت دارند می‌گویم قدر فرصت جبران مافات را بدانید! دست از مقابله با خواست اکثریت مردم بردارید که اگر اینگونه نکنید یا در انزوای بی‌مردمی خواهید مرد و عاق الهی می‌شوید یا در باتلاق تندروی‌ها غرق و بی‌شفاعت مردم نزد خدا می‌روید! پس به همه می‌گویم تا دیر نشده راه را بر تعیین دولت مردم در آینده نبندند. گوش به فرمان رهبری باشید که انتخابات پرشور می‌خواهند و بس. چون تنها دولت مردم است که می‌تواند گرهگشای آینده انقلاب باشد. حرف آخرم با مردم عزیز ایران را با شعری از حضرت حافظ تمام می‌کنم که همچون پیشگویی ابدی فرمود: «از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت، عجب که بوی گلی هست و رنگ نسترنی/ به صبر کوش تو ای دل که حق رها نکند، چنین عزیز نگینی به دست اهرمنی». والسلام. اکبر هاشمی رفسنجانی. بدون تاریخ، بدون امضا!

ارزیابی مدیریت اقتصادی در سال ۹۹

آلبرت بغازیان
استاد اقتصاد
دانشگاه تهران

مدیریت اقتصادی کشور در سال ۹۹؛ ضعیف‌ترین مدیریتی بوده که شاهد بودیم. ما کاری به تحریم و کرونا نداریم هر چند که اینها سهم خودشان را در اقتصاد داشته و دارند. ولی دلیل نمی‌شود که مدیران اقتصادی پشت این موضوع پنهان شوند و بگویند مثلا اگر کرونا نبود اتفاقات بهتری می‌افتاد. اینکه بانک مرکزی می‌گوید اگر بازار را مدیریت نمی‌کرد قیمت ارز الان به ۵۰هزار تومان رسیده بود؛ بگوید چه اصول مدیریتی‌ای را به اجرا گذاشته که چنین اتفاقی نیفتاده است. آیا بانک مرکزی ارز تزریق کرده است؟ قیمت را روی تابلو نگه داشته که اگر این کار را انجام داده، چرا ۲۵هزار تومان درج کرده، آن را ۱۵هزار تومان درج می‌کرد. بانک مرکزی می‌دانست که با افزایش نرخ ارز تعادل کل بازارهای کشور برهم خواهد خورد و محاسبات ثبات اقتصادی دچار تزلزل می‌شود، قیمت تمام‌شده تولید داخلی افزایش پیدا می‌کند و احتکار به‌وجود می‌آید. همه اینها قابل پیش‌بینی است و بنابراین باید نظارت‌هایمان را قوی‌تر و قیمت مصوب را منطقی‌تر تعیین می‌کردیم، نباید به ارز ۴۲۰۰ تومانی چوب حراج می‌زدیم و با آن زین اسب وارد می‌کردیم. مدیریت اقتصادی در سال ۹۹ به هیچ عنوان قابل توجیه نیست، اینکه بانک مرکزی یا هر نهاد و سازمان دیگری می‌خواهد بگوید که موفق بوده باید بگویند که چه کار کرده‌اند که اگر انجام نمی‌شد اوضاع بدتر از الان بود. وقتی همه چیز براساس نرخ ارز جابه‌جا شده و تغییر کرده و قیمت تمام‌شده خدمات و کالاها و ... افزایش چشمگیری داشته نشان می‌دهد که ما مدیریت نکردیم. قیمت‌ها به‌قدری افزایش پیدا کرد که مردم قدرت خرید خود را در کل کشور از دست دادند. چه اتفاقی با تحریم‌ها و کرونا افتاد که نتوانستیم جلوی لطمه خوردن اقتصادی را که آنقدر از نظر تجاری بزرگ نبود، را بگیریم. بنابراین به‌طور کلی مدیریت بسیار ضعیف بوده است. یکی از مهم‌ترین بازارهای سرمایه‌ای یعنی بورس در سال ۹۹ به بدترین وضعیت ممکن خود رسید. بورس می‌توانست به دولت در جذب سرمایه کمک کند، ولی زمانی که سوءاستفاده‌چی‌ها وارد این بازار شدند و این بازار زمین خورد. الان هم سازمان بورس و شورای عالی بورس قبول نمی‌کنند که نتوانستند نظارت کنند و تشخیص بدهند که این ریزش‌ها مصنوعی هستند وگرنه اینگونه نبود که بازار سرمایه به این ذلت بیفتد! همه اینها نشانه بی‌توجهی، رها کردن، سهل‌انگاری یا نبود نظارت است. دولت آینده طبیعتا نمی‌تواند ارز را از ۲۵هزار تومان پایین‌تر بیاورد چون اصلا اراده‌ای وجود ندارد و بودجه را هم با همین عددها پذیرفته است. از آن طرف نگران تخصیص ارز به واردات خواهد بود که نکند باز هم ارز تخصیص‌یافته مورد سوءاستفاده قرار بگیرد. همه منتظر هستند با اعلام نتیجه انتخابات، مشکلات اقتصاد اصلاح شود ولی این اتفاق توفیری در مسائل کشور ندارد و ما کماکان تورم ۲۵ تا ۳۰ درصدی را تجربه خواهیم کرد و قیمت‌ها نیز کاهش نمی‌یابند، شاید دولت بتواند برای تامین ارزاق عمومی مردم نظیر روغن و مرغ کارهایی را انجام دهد. به‌نظرم سال آینده مصائب مربوط به تولید، کسب‌وکار نامناسب و بلاتکلیفی ادامه می‌یابد.

دیدگاه

مبارزه با فساد؛ از حرف تا عمل

دکتر فرشید بسطامی
پژوهشگر و فعال سیاسی

با فرارسیدن بهار ۱۴۰۰، کم‌کم تنور انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور داغ خواهد شد. باز هم طبق معمول انتخابات‌های قبل، وعده‌های بسیاری از طرف کاندیداهای انتخاباتی شنیده می‌شود. یکی از معضلات بزرگی که کشور ما با آن روبه‌رو است، فساد اقتصادی، رانت و تبعیض برخی مسئولان و آقازاده‌هاست. این معضل مهم را نه تنها مسئولان بلکه مردم نیز به‌طور کامل می‌دانند و اگر کاندیداهای محترم با وعده مبارزه با فساد وارد میدان رقابت انتخاباتی می‌شوند باید توجه کنند که به مورد جدید و تازه‌ای دست نیافته‌اند، بلکه باید راهکاری مشخص و واضح برای آن داشته باشند. قبل از ارائه راهکار برای مبارزه با فساد، نکته‌ای که بسیار قابل تامل است ویژگی‌هایی است که باید در خود فرد کاندیدا باشد که به دو مورد بسیار مهم آن اشاره خواهیم کرد. برای اینکه فردی در راس حاکمیت بتواند داعیه‌دار مبارزه با فساد گردد، باید دارای دو خصوصیت بسیار مهم باشد؛ اولین خصوصیت این است که هم خود فرد و هم اطرافیان و نزدیکانش سابقه‌ای پاک و به دور از مفسده‌های مختلف را دارا باشند. در اینکه فرد منتخب معصوم نیست تردیدی وجود ندارد ولی داشتن سابقه عاری از فساد، حداقل می‌تواند این نوید را بدهد که در دوران ریاست‌جمهوری نیز فرد منتخب تلاش کند تا این عدم سوءسابقه را حفظ کند و مبرا بماند. همچنین مهم‌تر از خود فرد منتخب، سابقه سلامت اقتصادی اطرافیان وی بوده که تاثیر بسزایی در مبارزه با فساد در دولت بعدی خواهد داشت. در حقیقت، از رئیس‌جمهوری که اطرافیانش از رانت و مفسده‌های مختلف، منفعت‌های شخصی می‌برند نمی‌توان انتظار مبارزه با فساد را داشت حتی اگر آن رئیس‌جمهور از پاک‌دست‌ترین افراد زمانه خود باشد. مبارزه با فساد و تبعیض، دشمنان سرسخت و متمولی را برمی‌انگیزاند که فرد پرچمدار مبارزه برای غلبه بر آنها باید دارای خصوصیت دومی باشد که به همان اندازه یا حتی بیشتر از خصوصیت قبلی اهمیت دارد. در حقیقت مفسدین اقتصادی و رانت‌خواران هنگامی که منافع خود را در خطر می‌بینند با راه‌های مختلفی سعی در جلوگیری و مقابله خواهند کرد. آنها برحسب خصوصیات فرد مبارز، راه‌هایی از قبیل تطمیع یا تخریب را برمی‌گزینند و با بیان تهمت‌ها و شایعات درصدد بی‌آبرو کردن مسئولان سالم و پاک برمی‌آیند. از نمونه‌های بارز این ترور شخصیت در انقلاب اسلامی، تهمت‌ها و شایعاتی بود که علیه مسئولان سرشناس مانند شهید آیت‌ا... بهشتی و شهید دکتر چمران در جامعه پخش شده بود. لذا فرد منتخب باید در این راه از آبروی خود نهراسد و در رسوا کردن این مفسدین لحظه‌ای شک و تردید به خود راه ندهد. این گونه، مفسدینی که باکی از ریختن آبروی فرد نداشته‌اند، قطعا در ایجاد زمینه‌های برکناری او از این منصب یا حتی حذف فیزیکی او اقدام خواهند کرد و اینجاست که فرد در راه مبارزه با فساد باید علاوه بر آبرو، دست از جان نیز شسته باشد. رئیس‌جمهور منتخب مردم برای مبارزه با فساد باید جان و آبروی خود را در دست بگیرد و آماده فداکاری برای مردمی باشد که بیش از ۴ دهه صبر و استقامتشان چشم‌های جهانیان را خیره کرده و کاسه صبر دشمنان خارجی را به سر آورده است. مصداق عینی، بارز و ایده‌آل مبارزه با این گونه فسادهای راه یافته به حکومت اسلامی، قیام امام سوم شیعیان حضرت حسین بن‌علی(ع) علیه حکومت فاسد یزید بن معاویه است. امام حسین (ع) در حد عالی و غایی این دو ویژگی را داشتند. امام نه‌تنها از مقام معصومیت برخوردار بودند بلکه اطرافیان ایشان از بهترین و پاک‌ترین مردمان شناخته می‌شدند. همچنین ایشان با فدا کردن جان و آبروی خویش، راه عملی مبارزه با فساد را عیان و چهره شوم مفسدین را تا قیامت رسوا کرد. خوشبختانه یا متاسفانه، مصداقی دیگر از فرد دارای هر دو ویژگی فوق را در سمت ریاست‌جمهوری در تاریخ بعد از انقلاب اسلامی داشته‌ایم. شهید رجایی با گذشته‌ای پاک و با اطرافیانی همچون شهید باهنر، پا به عرصه ریاست‌جمهوری نهاد و اعتقاد صریحش این بود که در منصبی قرار گرفته که اگر تصمیم اشتباهی بگیرد گناه تمام مردم ایران به گردن او خواهد بود. در نهایت نیز جانش را در مسیر اعتقادش داد و به مقام شهادت نایل گشت و الگویی برای سیاستمداران بعد از خود در جمهوری اسلامی شد. لذا در شرایط کنونی امکان مبارزه عملی با فساد کاملا وجود دارد ولی فردی که داعیه‌دار آن در کسوت ریاست‌جمهوری خواهد شد باید حداقل‌هایی از شفافیت در مسئولیت‌های گذشته خویش و اطرافیانش، و اعتقاد به جانفشانی برای حکومتی که بنیانش خون شهیدان است را داشته باشد.

گزارش

گزارش «آرمان ملی» از مراسم سالگرد ارتحال حاج سید احمد خمینی

بیست و ششمین غروب فرزند روح‌ا...

ادامه از صفحه ۳ / وی تاکید کرد: اگر ما مردم کنار این انقلاب باشیم و جامعه احساس کند نظام را خود به وجود آورده و خود پاسداری می‌کند و مردم با همه وجود لمس کردند رأی و انتخاب آنان در همه عرصه‌های نظام اسلامی تعیین‌کننده است و جامعه حس کرد که با رأی خود دیده می‌شود، اگر این نظام تکیه‌گاهش را مردم قرار داد، مطمئن باشید که هیچ چیزی نمی‌تواند این نظام را تهدید کند. از آن جایی بترسیم که مردم احساس کنند به حساب نمی‌آیند، دیده نمی‌شوند، رأی می‌دهند اما در عمل به گونه‌ای دیگر خواسته‌های آنان شکل می‌گیرد.

یادداشت

پیامد شکاف نسلی در ایران

محمود مشفق
استاد دانشگاه

در جمعیت‌شناسی نسل عبارت است از عده‌ای از افراد که یک تجربه مشترک دموگرافیک یا جمعیتی را در برهه‌ای از زمان دارند و به عبارتی گفته می‌شود که این دسته از افراد در یک کانال نسلی قرار می‌گیرند. اما در جامعه‌شناسی منظور از نسل افرادی هستند که دارای ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای مشابهی هستند و در یک برهه تاریخی رویدادی را به‌صورت مشترک تجربه کرده‌اند. آنچه در علوم اجتماعی همواره مورد توجه قرار می‌گیرد و به عنوان یک مساله جمعیتی و جامعه‌شناختی شناخته می‌شود، بحث شکاف نسلی یا به عبارتی (Generation Gap) است که اشاره به تفاوت بین هنجارها، ارزش‌ها و نگرش‌های یک نسل با نسل‌های دیگر دارد. شکل بارز شکاف نسلی در ساختار و درون خانواده تبلور و تجلی می‌یابد. برای مثال جوانان ممکن است اینگونه فکر کنند که پدران یا بزرگانشان آنها را درک نمی‌کنند یا برعکس، بزرگان و افراد مسن ممکن است ابراز کنند جوانان ارزش‌ها را از دست داده‌اند یا اصالت‌ها را فراموش کرده‌اند و مواردی از این قبیل. اختلاف والدین و فرزندان یا به عبارتی اختلاف بین جوانان و میانسالان و سالمندان تا حدود زیادی ریشه در تجربه زیسته افراد دارد که این تجربه‌های زیسته کاملا متفاوت است. یعنی آنها محیط اجتماعی، سیاسی و تاریخی متفاوتی را تجربه می‌کنند و از این رو نگرش‌ها، عادات رفتاری و ارزش‌های متفاوتی هم خواهند داشت. برخی محققان از واژه‌ای به نام شکاف نسلی و برخی از تفاوت نسلی یا (Generation Difference) استفاده می‌کنند. در برخی مواقع نیز کارشناسان از واژه جانشین نسل‌ها یا (Generation Replacement) استفاده می‌کنند که همه این موارد نشان‌دهنده این است که برداشت‌های مختلفی از مساله نسل می‌شود. نتایج تحقیقات و پژوهش‌ها گاه حاکی از وجود شکاف نسلی و گاه حاکی از فقدان آن است. به عبارتی باید گفت مطالعات نتیجه مشخص و واحدی را نشان نمی‌دهد که آیا به راستی شکاف نسلی وجود دارد یا تفاوت نسلی؟ آنچه مسلم است این است که شکاف نسلی یک مساله کاملا طبیعی است. زیرا نسل‌های مختلفی که از پی هم می‌آیند در هنجارها، ارزش‌ها و نگرش‌ها متفاوت هستند. شکاف نسلی زمانی تبدیل به یک تضاد و بحران می‌شود که اختلافات درون خانوادگی به‌خصوص بین والدین و فرزندان از یک طرف و بی‌اعتقادی نسل‌های جوان به ارزش‌های خانوادگی یا ارزش‌های ریشه‌دار تاریخی از سوی دیگر حاصل گردد. بحث شکاف نسلی یک مساله عام جهانی هم هست یعنی نمی‌توانیم بگوییم که بومی و مختص ایران است. هر جامعه‌ای که در مسیر نوسازی و تحولات اقتصادی قرار گیرد و شدت این تحولات زیاد باشد، خواه ناخواه با مساله تفاوت نسلی و در شکل حادتر آن با شکاف نسلی و تعارض نسل‌ها مواجه می‌شود. مساله این است که ما بتوانیم آن را تشخیص داده و راهکارهای متناسب با آن را در نظر بگیریم. کما اینکه این امر از طریق سیاست‌های اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی قابل جرح و تعدیل است. شکاف نسلی اگرچه امروزه بیشتر به چشم می‌خورد اما موضوعی کهن و جزیی از زندگی بشر محسوب می‌شود. شکاف نسلی از تمایزهای دوقطبی و شدید بین نسلی حکایت دارد که صورت بیرونی آن به شکل کشمکش و تعارض‌های بین نسلی حکایت می‌کند. همچنین باید گفت این پدیده تنها مختص ایران نیست بلکه در همه کشورها خصوصا جوامعی که وارد مرحله نوسازی شده‌اند، بیشتر دیده می‌شود. اختلافات خانوادگی، ترک تحصیل، فرار از خانه، اعتیاد و مواردی دیگر از مهم‌ترین پیامدهای شکاف نسلی است. زمانی که جوانان می‌پندارند که از سوی والدین و اطرافیان خود درک نمی‌شود، انگیزه انجام کارهای نابهنجار و ضد قانونی در آنها چندبرابر می‌شود؛ البته شدت این پیامدها با توجه به جامعه و تحولات آن و نیز نوع خانواده (سنتی، مدرن یا بینابین بودن) متفاوت است.

نکته

پاسخی به یک گمانه درباره دیدار روحانی با خاتمی

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی درباره انتخابات ۱۴۰۰ توضیحاتی ارائه داد. علی محمد نمازی درباره این احتمال که دیدار روحانی و رئیس دولت اصلاحات به سبب رایزنی برای ورود علی لاریجانی به انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم باشد گفت: بعید است که این دیدار به این دلیل بوده باشد، این یک دیدار عجیب هم نبوده است و هر چند وقت یک بار چنین دیدارهایی صورت می‌گیرد. وی ادامه داد: ما الان یک نهاد مهم و متشکل از احزاب مختلف اصلاح‌طلب به نام جبهه اصلاح‌طلبان ایران داریم که در نهایت آن‌ها باید تصمیم بگیرند که ائتلاف حول محور چه کسی باید صورت بگیرد، تا جایی که من خبر دارم در این جبهه مصادیقی مطرح نشده است و تا کنون فقط به دنبال ایجاد ساختار و نحوه اداره مطلوب آن بوده‌ایم. نمازی با اشاره به اهمیت نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان افزود: بر اساس راهبرد مشخص‌شده تمامی احزاب عضو جبهه اصلاح‌طلبان ایران باید نامزد مورد نظر خود را به این نهاد معرفی کنند و پس از مشورت‌ها منتظر بررسی صلاحیت‌ها باشند و در نهایت برای نامزد نهایی تصمیم بگیرند. معتقدم با توجه به شرایط سختی که بر کشور حاکم است، باید کسی رئیس‌جمهور شود که هم تجربه لازم داشته و هم شجاع و اهل ریسک باشد، زیرا با روش‌های عادی نمی‌توان از این شرایط خارج شد.